

# تذکره شعرای بهمان

۵

۲۰ ادهم: میرزا ابراهیم فرزند میرزا رضی آرتیمانی از شعرای قرن یازدهم، بقول سرخوش در کلمات الشعرا از سادات عالی نسب صفویه است، ادهم بزیور فضائل و کمالات آراسته و مانند پدرش مردی عارف و دل آگاه بود، شعر او در کمال رسائی میسرود. دارای طبعی روان و ذوقی خوش داشت و همواره شورش در خاطرش برپا بود، وی در زمان شاهجهان پادشاه به هند سفر کرد با اینکه تذکره نویسان نقل کرده اند که ادهم دیوانه مشرب و بی باک بود و نوعی جنون ساختگی داشت و با همه بزرگان بشوخی پیش میآمد لکن مورد احترام بزرگان و امراء آن کشور بود، ادهم داری اشعار نغز و رباعیات عارفانه بسیار است و در اشعارش بطرز ایهام میلی تمام داشته تاریخ وفات او را سال ۱۰۶۰ هجری که در هند چشم از جهان بر بست نوشته اند. منتخب ابیاتی از او،

## مفردات

برای نثارش ز شرمندگی‌ها	اگر جان نمیداشتم ، مرده بودم
در سینه دلم گمشده تهمت بکه بندم	غیر از تو درین خانه کسی راه ندارد
دلی نگذاشتی با من ، مرا نگذاشتی با دل	من از دل کی خبر دارم، دل از من کی خبر دارد
جز من کسی بمدرسه نامد زمیکده	خاکم بسر ترقی معکوس کرده ام
هر فیض که در حسن گل ولاله و شمعت	از روی تو و رنگ تو و خوی تو پیداست
ز جستن جستن او سایه برد دشت	چو زاغ آشیان گم کرده میگشت
اوصاف علی به گفتگو ممکن نیست	گنجایش بحر در سبو ممکن نیست
من ذات علی بواجبی نشینم	اما دانم که مثل او ممکن نیست
یارب برسان حقی که باطل ببرد	راهی بنما که پی بمنزل ببرد
یا برهانی که دل ز شک برهاند	یا تصفیه‌ای که زنگ از دل ببرد
در روز وداع تو که غم افزاید	همراه تو یک بدرقه‌ای می‌آید
من نتوانم آمد از ضعف ، ولی	یکدم بنشین که گریه‌ام می‌آید
ناصح دری بگوش قبولم کشید و گفت	کین پند سودمند عجب را نگاه دار
گر نقد عمر صرف کرم میکنی کمت	اما برای صرفه ادب را نگاه دار

۱- تذکره نصرآبادی ص ۳۵۹

۲- تذکره کلمات الشعرا ص ۳

۳- تذکره حسینی ص ۴۲، ۴۳، ۴۴

۴- فرهنگ سخنوران خیامپور ص ۳۴



۲۱- ادیب: میرزا ابوالقاسم ادیب کبابیانی از شعرای قرن سیزدهم ترجمه‌اش در تذکره سفینه‌المحمود یا مجمع‌المحمودات، مجلس سوم، مرتبه اول ص ۴۶ نسخه خطی کتابخانه خصوصی حاج حسین آقا نخجوانی که سال ۱۲۴۰ تالیف گردیده بشماره ۱۷۵۱ مضبوط و نوشته شده با کوششی که شدمع‌التاسف تهیه‌اشعار و شرح‌احوالش میسر نگردید که در مجله درج شود. این بیت از اوست.

ادیب باید که شرط ادب نگهدارد      نه هر چه لایق ریش بود کند تقریر  
 مأخذ: فرهنگ سخنوران خیامپور ص یو و ص ۳۶

۲۲- اصدق: ملا محمد اصدق از شعرای قرن دهم است، مولف تذکره‌الشعرا محمد عبدالغنی لاهوری اورا فرزندش اسماعیل صفوی نوشته، صاحبان الذریعه و فرهنگ سخنوران به نقل از تذکره‌الشعرا نام او را اصدق صفوی نوشته‌اند، وی از موطن خود همدان به هند رفته و گویا تا پایان عمر در آنکشور میزیسته و در آنجا رخت از جهان بر بسته‌است، دانشمند محقق آقای دکتر درخشان در کتاب خود از قول والدهاغستانی اورا از شعرای قرن یازدهم آورده‌است، نوشته‌اند اصدق در مدارس اصفهان به «جزوه‌کشی» اشتغال داشت، شاعری بسیار خوش محضر و دارای طبعی نیکو بوده، از احوال او بیش از این اطلاعی در دست نیست.

## از اوست

اشک تر من خصلت آذر دارد      آهم مرغی است کز شرر پر دارد  
 در آتش سوزنده دلم کرده وطن      مرغابی من طبع سمندر دارد  
 چندان غم خور که جانت از غم برهد      چندان بگری که چشمت از نم برهد  
 چندان بشکیب کوش، کاین داغ دلت      نیک ار نشود ز ننگ مرهم برهد  
 مأخذ: تذکره‌الشعرا ص ۱۵

الذریعه «دیوان» ص ۷۹

بزرگان و سخن‌سرایان همدان ج ۱

فرهنگ سخنوران خیامپور ص ۴۵

۲۳- افسر: نامش، باقر علیخان فرزند تقد علیخان قاجار از شعرای قرن دوازدهم، اصلش از همدان ولی در هند تولد یافت، افسر دوران کودکی و مراحل رشد را در نزد پدر و برادر بزرگ شاعر خود «ایجاد» علی نقی خانی گذرانید و تعلیم و تربیت یافت و چندان در شعر و شاعری کوشید تا از سخنوران و شاعران امراء هند شد و وفات او در حیدرآباد اتفاق افتاده‌است تاریخ تولد و فوت او معلوم نگردید. از اشعار اوست.

امروز می‌رود بگلستان نگار ما      از دست می‌رود دل بی اختیار ما

\*\*\*

دوستان موسم گل آمده دل شاد کنید      دست در گردن هم، زمزمه بنیاد کنید  
 مأخذ: فرهنگ سخنوران خیامپور ص ۴۸  
 الذریعه «دیوان» ص ۸۴

بزرگان و سخن‌سرایان همدان ج ۱ ص ۲۳۹

۲۴- افکار: سید محمد افکار به پیشه‌وری اشتغال داشت، وی دارای ذوق و طبع شاعری بوده‌است، در سلك و مشرب سلسله نعمه‌اللهیه درآمده، در طریقت مرید پیر و مرشد عصر خود «بهار علیشاه» معروف بوده که در مکتب وی تعلیم و تربیت یافته و بشعر و شاعری پرداخته به معطر علیشاه معاصر ارادت داشته چنانکه در غزلی گفته‌است. به فصل دی شدم بر، وی برای جستجوی دل

بقیه در صفحه ۳۵